فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و هفتم، زمستان ۱۴۰۰- صفحات ۲۶-۷

ارزیابی اثر فضای تورمی حاکم بر اقتصاد کشور بر عرضه وجوه قرض‌الحسنه

نوع مقاله: پژوهشی

امیرحسین مزیّنی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

چکیده

سیاست‌های پولی شدیداً انبساطی طی دهه‌های اخیر اقتصاد کشور را با چالش‌های جدی مواجه نموده است. در این رابطه می‌توان به کاهش استقبال جامعه نسبت به عرضه وجوه (سپرده‌های) قرض‌الحسنه اشاره نمود. بگونه‌ای که سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از کل سپرده‌ها کاهش یافته و تقریباً به پایین‌ترین سطح خود طی چهار دهه اخیر رسیده است. در این میان یکی از مهم‌ترین دلایل، بی‌انضباطی پولی موجود در دولت‌های مختلف طی این مدت بوده است که خود را در قالب افزایش شدید نقدینگی و تورم و به عبارت دیگر افزایش هزینه فرصت پول یا ارزش زمانی پول نشان داده و باعث گردیده که سنت قرض‌الحسنه (درقالب آمار سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی)، دچار افول گردد. این در حالی است که قرض‌الحسنه در قرآن و منابع اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته و کارکردهای اقتصادی و اجتماعی متعددی برای آن قابل تصور می‌باشد. در مقاله حاضر با مروری بر عملکرد مقامات پولی در قالب حجم پول، نقدینگی و تورم و نیز تحولات شاخص‌های بانکی در زمینه سپرده‌های قرض‌الحسنه به آسیب‌شناسی جریان کاهنده آنها طی چهار دهه اخیر با تأکید بر نقش سیاست‌های پولی پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: سیاست پولی، قرض‌الحسنه، تورم، نقدینگی و اقتصاد ایران.

طبقه‌بندی JEL: E31, E42, E58, G21

[۱] عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس mozayani@modares.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

مقدمه

با شکل‌گیری و ظهور اقتصاد کلان از دهه ۱۹۳۰ میلادی جایگاه سیاست‌های کلان اقتصادی و نقش دولت‌ها در این راستا در کانون توجهات قرار گرفت. این سیاست‌ها با توجه دامنه وسیع اثرگذاری خود طیف وسیعی از متغیرهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و اثرات توزیعی و تخصیصی قابل توجهی در اقتصاد بجای می‌گذارند. سیاست‌های پولی یکی از مصادیق سیاست‌های کلان اقتصادی به شمار می‌روند که جدای از اثرگذاری بر متغیرهای حقیقی[1] اقتصادی همچون رشد، اشتغال، سرمایه‌گذاری و ... می‌توانند متغیرهای اسمی اقتصادی همچون نرخ تورم، نرخ بهره و ... را نیز متأثر سازند. در این رابطه یکی از حوزه‌های اثر پذیر از نتایج سیاست‌های پولی، جریان وجوه جذب شده توسط سیستم پولی و اعتباری در قالب سپرده‌های مختلف می‌باشد که از آن‌جمله می‌توان به سپرده‌های قرض‌الحسنه اشاره نمود. هرچند سپرده‌های قرض‌الحسنه عمدتاً با انگیزه‌های غیرمادی در اختیار نظام بانکی و اعتباری قرار می‌گیرند. اما بنظر می‌رسد تحولات اقتصادی که به‌صورت معنی‌داری هزینه فرصت این وجوه را تحت تأثیر قرار می‌دهند بتوانند بر گردش مالی این وجوه تأثیرگذار باشند. قرض‌الحسنه را می‌توان یک نهاد شرعی، حقوقی، مالی و اجتماعی به حساب آورد. نیم نگاهی به سابقه مناسبات مالی ایرانیان در قالب عقد قرض‌الحسنه حکایت از اهمیت این عقد در جامعه ایران و اقبال افراد به آن دارد. آمارهای موجود حکایت از آن دارند که در سال‌های اولیه پس از انقلاب این عقد در میان جامعه ایران بسیار مورد توجه بوده است. مثلاً در سال‌های اولیه دهه ۱۳۶۰ سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه (جاری و پس‌انداز) از کل سپرده‌ها در نظام بانکی کشور بیش از پنجاه و پنج درصد بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶). یا اینکه در آن سال‌ها حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس انداز بیش از ۱/۲ برابر سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت بوده است. اما از آن پس با بروز مشکلات اقتصادی در کشور، از جمله تورم، استقبال افراد از این سپرده‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و عملاً سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از مجموع سپرده‌ها کاهش یافته است. در آسیب‌شناسی این وضعیت در مطالعات صورت گرفته به دلایل مختلفی اشاره شده است که در این میان یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌انضباطی پولی موجود در دولت‌های مختلف طی این مدت بوده است که خود را در قالب افزایش تورم (کاهش ارزش پول ملی) و به عبارت دیگر افزایش هزینه فرصت پول یا ارزش زمانی پول[2] نشان داده است. به عبارت دیگر جریان فزاینده نقدینگی و تورم طی چهار دهه اخیر در کنار برخی دیگر از مؤلفه‌های اقتصادی همچون کاهش قدرت خرید و رفاه مردم، شکاف توزیع درآمد و.... باعث گردیده اند که سنت

[1] Real
[2] Time value of money

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

قرض‌الحسنه، که خود را درقالب آمارهای رسمی سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی نشان می‌دهد، دچار افول گردد. به‌ویژه اینکه در نظام بانکی کشور مقوله جبران قدرت خرید منابع قرض‌الحسنه به رسمیت شناخته نشده است. بررسی این موضوع در دستور کار مقاله حاضر قرار دارد. بدین منظور در نظر است در بخش‌های مختلف مقاله ضمن اشاره به ماهیت قرض‌الحسنه و چالش‌های مترتب بر آن در ایران، ابعاد نظری و تجربی اثرگذاری تورم بر جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه بررسی و در نهایت آسیب‌شناسی جریان عرضه سپرده‌های قرض‌الحسنه از بعد اقتصاد کلان در دستور کار قرار گیرد. پایان بخش مقاله حاضر جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خواهد بود.

ماهیت قرض‌الحسنه و چالش‌های مترتب برآن در ایران

قرض‌الحسنه عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند تا طرف مقابل مثل آن را از حیث مقدار، جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر تسلیم مثل، قیمت یوم الرد آن را بدهد[۱]. از نظر فقهی نیز این‌گونه آمده است که قرض‌الحسنه آن است که کسی مال خود را به دیگری تملیک کند. البته بدین صورت که قرض‌گیرنده نسبت به ادای خودِ آن مال یا مثل و یا قیمت آن ضامن شود و تعهد کند. در ارتباط با این تعریف فقهی ذکر چند نکته ضروری است. ابتدا اینکه قرض عقدی است که در آن مال به رایگان به طرف مقابل داده نمی‌شود، بلکه قرض‌گیرنده، مثل یا قیمت (معادل مالیت) آن را، ضمانت می‌کند. بنابراین مانند خرید و فروش نیست که پول و کالا مبادله گردد؛ بلکه در برابر واگذاری مال، قیمت و مثل آنچه قرض گرفته شده به عهده‌ی قرض‌گیرنده قرار می‌گیرد. دوم اینکه قرض نوعی تملیک است، یعنی قرض‌دهنده مالکیت مال خود را به قرض‌گیرنده انتقال می‌دهد و در صورت تلف شدن مال، قرض‌گیرنده ضامن است و این بر خلاف بسیاری از عقود مشارکتی (مضاربه، مساقات، مزارعه و ...) می‌باشدکه انتقال ملکیت تحقق نمی‌یابد و بدین سبب طرف قرارداد اگر کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست. سوم آنکه قرض از عقود لازم است؛ یعنی درصورت تعیین مدت، قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده حق تخلف ندارند و نهایتاً اینکه تعیین مدت از ارکان قرض نیست، بدین سبب اگر مدت ذکر نشود، قرض‌دهنده می‌تواند هر زمان که بخواهد مالش را پس بگیرد. اما اگر مدت مشخص شود، عمل به آن لازم است.

امروزه غالب مردم قرض‌الحسنه را آن قرضی می‌دانند که فرد، برای مدتی به هم نوع نیازمند خود می‌دهد و در ازای آن هیچ‌گونه اضافه‌ای نمی‌گیرد. غالب مفسرین شیعه و سنی در تفسیر "قرضاً حسناً" که در شش جای قرآن‌کریم به همین صورت به کار رفته است گفته‌اند: مراد از این

[۱] ماده ۶۴۸ قانون مدنی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

قرض، انفاق و صدقه است که خداوند از بندگانش تقاضا کرده است (عبادی و جعفری ، ۱۳۹۹). ذکر این نکته نیز ضروری است که نهاد قرض‌الحسنه سابقه دیرینه‌ای در تاریخ بشری دارد که می‌توان ریشه‌های آن را در رفتار تجاری و مالی بابلی‌ها و فینیقی‌ها و عبرانی‌ها یافت. ضمن اینکه آیه دوازده سوره مائده نیز نشان می‌دهدکه مفهوم قرض نزد بنی اسرائیل نیز شناخته شده بوده است (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۳). ضمن اینکه در قرآن مجید در هفت آیه، کلمه قرض و مشتقات آن به کار رفته است و به جز یک مورد، کلمه قرض مقرون به وصف حسناً است و در آنها خداوند متعال گیرنده قرض شمرده شده است.

از نظر سابقه عملیاتی موضوع در ایران تقریباً طی چهار دهه گذشته انواع مختلفی از صندوق‌های قرض‌الحسنه در کشور شکل گرفته است. در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴):

الف- صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی و دوستانه

ب- صندوق‌های قرض‌الحسنه مساجد و حسینیه‌ها

ج- صندوق‌های قرض‌الحسنه ادارات و تعاونی‌های اعتبار صنفی

د- صندوق‌های قرض‌الحسنه عام

بدیهی است با توجه به ماهیت غیررسمی این عقد عملاً آمار رسمی از تعداد نهادهای درگیر در این حوزه و نیز گردش مالی آنها در دسترس نمی‌باشد. البته بجز آن بخش از منابع قرض‌الحسنه‌ای که در قالب نظام بانکی در جریان می‌باشند که همچون سایر آمارهای مالی و بانکی اطلاعات مربوط به آنها منتشر می‌شود که در ادامه به نمونه‌ای از آنها پرداخته خواهد شد. در جدول زیر تصویری از تشکل‌های رسمی درگیر در حوزه قرض‌الحسنه در کشور(با توجه به آخرین آمار موجود) ارایه شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

جدول ۱. جایگاه قرض‌الحسنه در نظام مالی کشور

عنوان	مصادیق و تعداد	انواع سپرده قرض‌الحسنه
بانک‌های قرض‌الحسنه	بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، بانک قرض‌الحسنه رسالت	سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز، سپرده قرض‌الحسنه جاری
صندوق‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	صندوق قرض‌الحسنه بانک توسعه تعاون، صندوق قرض‌الحسنه بانک ملت، صندوق قرض‌الحسنه بانک پارسیان، صندوق قرض‌الحسنه بانک مسکن	سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز
سایر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	کلیه بانک‌های تجاری و تخصصی دولتی و غیر دولتی و مؤسسات اعتباری بجز بانک‌های توسعه تعاون، ملت، پارسیان، مسکن، بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، بانک قرض‌الحسنه رسالت	سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز، سپرده قرض‌الحسنه جاری
صندوق‌های قرض‌الحسنه	۴۳ صندوق دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۸۹۰ صندوق عضو سازمان اقتصاد اسلامی صندوق‌های بدون مجوز یا با مجوز از سایر نهادها مانند نیروی انتظامی	سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶

پس از بیان کلیاتی از مفهوم و ماهیت قرض‌الحسنه، در ادامه به تبیین چالش عملیاتی این وجوه از منظر تورم پرداخته می شود. بنظر می‌رسد شاید بتوان مهم‌ترین آفت رونق در گردش مالی عقد قرض‌الحسنه در اقتصاد ایران را تورم مزمن و تبعات مترتب بر آن دانست. بدیهی‌ترین پیامد وجود تورم ساختاری در اقتصاد کشور که ریشه در بی‌انضباطی پولی دولت‌ها طی چهار دهه اخیر داشته است افزایش هزینه فرصت پول و به تعبیری افزایش ارزش زمانی پول بوده است. بدیهی‌ترین پیامد این شرایط (در کنار موضوعاتی چون نابرابری توزیع درآمد، افزایش خط فقر، چالش‌های فرهنگی و ...) کاهش استقبال مردم از سنت قرض‌الحسنه می‌باشد. نا گفته نماند که این موضوع از دید فقهی نیز مغفول نمانده و در این راستا بسیاری از فقها تلاش نموده‌اند به طریقی ابعاد فقهی این موضوع که اصطلاحاً جبران کاهش ارزش پول نامیده شده است را نیز مورد تدقیق قرار دهند. هر چند که در مسأله جبران کاهش ارزش پول از منظر فقهی پیوسته مناقشاتی وجود داشته است. در مجموع، نظریه‌های موجود در این باب به پنج دسته قابل تقسیم هستند:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

گروه اول، جبران کاهش ارزش پول را مطلقاً از مصادیق ربا و حرام می‌دانند.

گروه دوم، جبران کاهش ارزش پول را مطلقاً از مصادیق ربا ندانسته و به لزوم جبران قابل شده‌اند.

گروه سوم، بین موارد شدید و خفیف تورم و موارد غصب و غیر غصب و ... تفصیل داده‌اند.

گروه چهارم، که در تشخیص حکم تردید داشته‌اند، حکم به مصالحه کرده‌اند.

گروه پنجم، برای جبران ضرر و زیان وارده بر طلبکار، راه‌کارهایی را ارائه کرده‌اند (سیفلو و خوانساری، ۱۳۹۰).

همانگونه که مشاهده می شود در این رابطه اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. به‌عنوان مثال می‌توان به دو نمونه از دیدگاه‌های موجود که در دو طرف طیف فوق قرار دارند به شرح زیر اشاره نمود.

در یک سو می‌توان به استفتاء صورت گرفته از هفت تن از مراجع تقلید اشاره نمود که (به جز یک نفر) تقریباً قریب به اتفاق، جبران قدرت خرید سپرده‌های قرض‌الحسنه که به شکل پول (و نه طلا و ..) تحقق می‌یابند را نپذیرفته اند.[۱] بنظر می‌رسد صراحت موجود در فتاوی اعلام شده مبنی

---

[۱] در قالب استفتاء صورت گرفته چهار سئوال زیر از مراجع عظام شده است (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷/۶/۱۸).

سئوال اول- آیا قرض‌دهنده می‌تواند قدرت خرید پولش را قرض دهد و به عبارت دیگر جبران کاهش ارزش پول قرض داده شده را شرط کند؟

سئوال دوم - آیا در معاملات بانکی می‌توان سپرده ای را طراحی کرد که سپرده‌گذار قدرت خرید پولش را به بانک قرض دهد و عندالمطالبه قدرت خرید پولش را پس بگیرد؟

سئوال سوم - آیا بانک می‌تواند به متقاضیان تسهیلات بانکی قدرت خرید پول را وام دهد و آن را به صورت دفعی یا اقساطی پس بگیرد؟

سئوال چهارم- در موارد فوق اگر پاسخ مثبت است آیا قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده می‌توانند برای محاسبات قدرت خرید روی نرخ مشخصی مانند نرخ تورم که به صورت رسمی از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود توافق کنند؟

پاسخ‌های ارایه شده بدین قرار می‌باشند:

آیتا... خامنه‌ای: جواب سئوال۱- نمی‌تواند و در صورت شرط، ربا محسوب می‌شود. جواب سئوال ۲ و ۳- عملیات بانکی که مطابق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مورد تأیید شورای محترم نگهبان انجام گیرد، بی اشکال است. جواب سئوال ۴- حکم آن معلوم شد.

آیت ا... سیستانی: معامله مذکور ربا است و به هیچ وجه جایز نیست و می‌توانند برای رفع مشکل پولی را قرض بدهند که قیمت آن تغییر نکند و می‌توانند طلا و جواهرات را قرض دهند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

بر عدم جواز جبران قدرت خرید وجوه قرض‌الحسنه از یک سو و عدم تمایل نظام بانکی و اعتباری کشور جهت ورود به این موضوع (که چه بسا منبعث از استفتاء صورت گرفته از مراجع می‌باشد) باعث گردیده که عملاً جریان عرضه و تقاضای وجوه قرض‌الحسنه در نظام بانکی بصورت همزمان تحت تأثیر تورم قرار بگیرند. چرا که از یک سو سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه در نهادها و مؤسسات پولی و مالی در شرایط تورمی شدید با کاهش قدرت خرید مواجه می‌گردند و علی رغم انگیزه‌های معنوی موجود در این عرصه، این شرایط می‌تواند جریان عرضه این سپرده‌ها را متأثر سازد و از سوی دیگر منافع (رانت) قابل توجه در دستیابی به منابع قرض‌الحسنه (با کارمزد اندک) باعث می‌گردد حجم وسیعی از افراد (چه آنها که نیازمند این منابع هستند و چه آنهایی که این‌گونه نیستند) به جرگه متقاضیان این منابع بپیوندند و عملاً نظام مالی و اعتباری کشور با حجم عظیمی از تقاضای بالفعل منابع قرض‌الحسنه مواجه گردد و این موضوع در عمل زمینه را برای بروز انحراف و یا فساد در تخصیص این منابع ایجاد نماید. نتیجه آنکه شرایط تورمی موجود در کشور طی ده‌های اخیر وضعیت حاکم بر جریان عرضه و تقاضای وجوه قرض‌الحسنه را دچار اختلال[1] نموده است. بدیهی است که این واقعیت از منظر تئوری‌های اقتصادی کاملاً منطقی بوده و دور از انتظار نیست. چرا که خود نوعی اختلال در قیمت‌های نسبی[2] در حوزه منابع پولی به شمار می‌رود.

در سوی دیگر طیف برخی از صاحب‌نظران بر امکان جبران قدرت خرید سپرده‌های (وجوه) قرض‌الحسنه استدلال‌هایی را مطرح نموده‌اند. در این رابطه نمونه‌ای از ادله مطرح شده را می‌توان به شرح زیر برشمرد[3]:

آیتا... مکارم شیرازی: با توجه به اینکه وام دادن قدرت خرید در عرف بازار به معیار برای این امور است شناخته شده نیست، این کار اشکال دارد؛ ولی می‌توانند آنها پولی را که وام می‌دهند تبدیل به سکه کنند یا تبدیل به ارزهایی که کمتر تغییر پیدا می‌کند. در این صورت مشکل حل می‌شود.

آیتا... صافی گلپایگانی: جایز نیست و از شرع مقدس دلیلی بر آن نداریم و اشکالات فقهی و حقوقی آن زیاد است.

آیتا... نوری همدانی: قرض به صورت‌های مذکور جایز نیست.

آیتا... فاضل لنکرانی: خیر. هیچ کدام از موارد جایز نیست. راه‌حل همان قانون بانک‌ها است که پول را به عنوان مضاربه یا شرکت یا مشارکت مدنی و امثال آنها بدهند و در سود حاصله شریک باشند.

آیتا... موسوی اردبیلی: قرض و استقراض قدرت خرید پول که توسط بانک مرکزی مشخص می‌شود با قصد قرض‌دهنده و گیرنده اشکال ندارد.

[1] Distortion

[2] Relative prices

[3] موسایی (۱۳۸۲)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

- عرف، قدرت خرید پول را در تغییرات فاحش، جزء اوصاف مثل می‌داند، در این صورت، عرف و سیره عقلا به باز پرداخت مثل بهای کمتری از آنچه نخست گرفته است دارد، بسنده نمی‌کند.
- هرگونه قرضی که به نفع و بهره منجر شود ربا نیست. پرداخت جبران کاهش ارزش پول در قرض نفع شمرده نمی‌شود، بنابراین ربا نیست، زیرا با فرض برابری مالیت و ارزش، بهره‌ای در کار نیست.
- ربا هرگونه «دریافت و پرداخت واقعی در معاملات و قرض با شرط قبلی» است، جبران کاهش ارزش پول در معاملات و قرض، مصداق زیادی واقعی نیست، لذا موضوعاً از مصادیق ربا شمرده نمی‌شود.
- قواعد حفظ مالکیت افراد در اسلام با عدم جبران کاهش ارزش پول در دیون سازگار نیست.
- در یک نگرش سیستمی، عدم جبران کاهش ارزش پول با فلسفه های تحریم ربا سازگاری ندارد.
- عدم جبران کاهش ارزش پول در دیون مدت‌دار، با قبول ملاک ظلم و انظلام برای تحریم ربا سازگار نیست.
- کاهش ارزش پول در دیون مصداق تلف کردن اموال دیگران است و تلف‌کننده ضامن است بنابراین، کاهش ارزش پول باید جبران شود.
- در صورت کاهش ارزش پول در معاملات مدت‌دار، به صورت شرط ضمنی حق فسخ برای بستانکار ثابت است و باید ضرر او جبران شود.
- قیمی شدن پول در طول زمان، مستلزم جبران کاهش قدرت خرید آن در بدهی ها است.
- عدم جبران کاهش ارزش پول در دیون، با اصل حاکمیت عدالت بر کلیه مبادلات مغایرت دارد.
- عدم جبران کاهش ارزش پول در مبادلات مدت‌دار، باعث ضرر و زیان به بستانکار می‌شود، از این رو طبق اصل لاضرر، جبران ضرر لازم است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که کاهش استقبال از قرض‌الحسنه جدای از مقوله کاهش ارزش پول و ضرورت جبران آن، ریشه در عواملی دیگر نیز دارد که در برخی مطالعات به آنها پرداخته شده است مواردی چون (توحیدی نیا و فولادگر، ۱۳۹۷):

الف- عدم اعتماد مردم به بانک‌ها به علت تخلف از پرداخت صحیح تسهیلات قرض‌الحسنه

ب- نبود اراده جدی برای گسترش قرض‌الحسنه از طرف مدیران بانکی

ج- رقابت بانک‌ها برای افزایش سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری

د-پایین بودن سطح درآمد سپرده‌گذاران و مشکلات اقتصادی

ه- تغییرات فرهنگی و اعتقادی- مثل کاهش اعتقادات مذهبی و افزایش منفعت‌طلبی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

و- سقف و تنوع کم در تسهیلات قرض‌الحسنه

ح- خلاءهای قانونی موجود

همان‌گونه که مشاهده می‌شود می‌توان کاهش قدرت خرید وجوه قرض‌الحسنه را یکی از چالش‌های اساسی این حوزه به حساب آورد. زیرا همزمان که بدلیل تورم مزمن موجود در اقتصاد ایران این پدیده (کاهش قدرت خرید) به صورت جدی مشهود و ملموس می‌باشد. اما کماکان در خصوص نحوه مواجهه با آن اختلاف نظرهای جدی وجود دارد.

مروری بر ادبیات موضوع

از بعد مبانی نظری در ارتباط با اثر تورم بر جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌توان به دیدگاه فریدمن (۱۹۵۶) اشاره نمود. طبق نظریه فریدمن مصرف‌کنندگان پول را نگه می‌دارند چون نگهداری پول بـه آنهـا مطلوبیت می‌دهد. این تقاضای مانده‌هـای حقیقـی، بـه سطح درآمد حقیقی و میزان بـازدهی و روش‌هـای دیگـر نگهداری دارایی نظیر نگهداری اوراق قرضـه و خریـد کالاهـای بـادوام (بـه عنـوان قیمـت کالای جانشین) بستگی دارد. از سوی دیگر تولیدکنندگان نیز پول را به عنوان دارایی مولد که جریانات پرداخت‌ها و مخـارج آنهـا را همـوار می‌سازد، نگهداری می‌کنند. تقاضای آنها برای پول حقیقی نیز به محصول یا درآمد حقیقی و عایدات نسبی سایر روش‌های نگهداری ثروت (اوراق بهـادار، سپرده‌های بـانکی و...) بستگی دارد. فریدمن تابع تقاضای اسمی پول را بدین صورت تعریف می نماید.

$$Md=P.\ f(r_B, \pi, h, y, u, \ldots)$$

که در آن: Md: تقاضای اسمی پول، p: سطح عمومی قیمـت‌هـا، r_B: نـرخ بهـره اوراق قرضـه، π: نرخ تـورم، h: سرمایه انسانی، y: درآمـد واقعـی وu: سـلیقه می‌باشند (صفری و رافتی، ۱۳۹۸). همانگونه که مشاهده می‌شود طبق نظریه فریدمن سطح عمومی قیمت‌ها و تورم به عنوان هزینه فرصت پول بر تقاضای پول توسط افراد جامعه اثرگذار می‌باشند که اثرگذاری تورم بر عرضه وجوه قرض‌الحسنه و چشم‌پوشی از منافع و هزینه فرصت مترتب بر آن برای سپرده‌گذارن را نیز می‌توان در همین چارچوب تحلیل نمود.

از نظر مبانی تجربی مطالعات اندکی به بررسی اثر تورم بر جریان عرضه وجوه قرض‌الحسنه پرداخته‌اند و عمده مطالعات به بررسی عوامل مؤثر بر جذب منابع در قالب سپرده‌های مختلف در بانک‌ها پرداخته‌اند. از معدود مطالعات انجام شده در ارتباط با اثر تورم بر سپرده‌های قرض‌الحسنه می‌توان به سه مطالعه زیر اشاره نمود:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

حیدری و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه خود که برای دوره ۹۳-۱۳۸۴ انجام شد به این نتیجه رسیدند که بین نا اطمینانی تورم و میزان تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه همبستگی مثبتی وجود دارد. بدین معنی که برخلاف تصور موجود با افزایش نوسانات تورم، افزایش قیمت تمام شده پول برای بانک‌ها و نیز کاهش قدرت خرید مردم، میزان سپرده‌های قرض‌الحسنه و درنتیجه تسهیلات اعطایی از محل این سپرده‌ها کاهش نمی‌یابد.

اثنی عشری و بابایی سمیرمی (۱۳۸۸) در مقاله خود با استفاده از تابع تقاضای پول کاگان رابطه بین حجم پول در گردش حساب‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها و انتظارات تورمی در اقتصاد ایران را بررسی نمودند. در این مطالعه مشاهده گردید که با توجه به داده های دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۴۰ با افزایش یک درصدی انتظارت تورمی در اقتصاد ایران، حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها ۰/۰۱۴ درصد کاهش می‌یابد.

صفری و رافتی (۱۳۹۸) در مطالعه خود به بررسی نقش عوامل اقتصادی و بانکداری الکترونیک بر حجم سپرده‌های بانک های خصوصی منتخب به تفکیک قرض‌الحسنه، جاری و سپرده‌های بلندمدت طی دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۶پرداختند. ایشان در این مطالعه مشاهده نمودند که متغیرهای درآمد سرانه واقعی، تعداد شعب، تعداد دستگاه‌های پایانه فروش شعب و خودپرداز، بر حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه و جاری اثر مثبت و معنادار داشته اما تأثیر متغیر نرخ تورم بر سپرده‌های مذکور از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. همچنین نتایج حاصله برای سپرده‌های بلندمدت نشان داد که تأثیر متغیرهای نرخ سود سپرده، تعداد شعب بانک، تعداد دستگاه‌های پایانه فروش، درآمد سرانه واقعی، بر حجم سپرده‌های بلندمدت مثبت و معنادار می‌باشد در حالی که تأثیر متغیر نرخ تورم بر حجم این سپرده‌ها منفی و معنادار و اثر تعداد دستگاه‌های خودپرداز بر حجم سپرده‌های مذکور به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

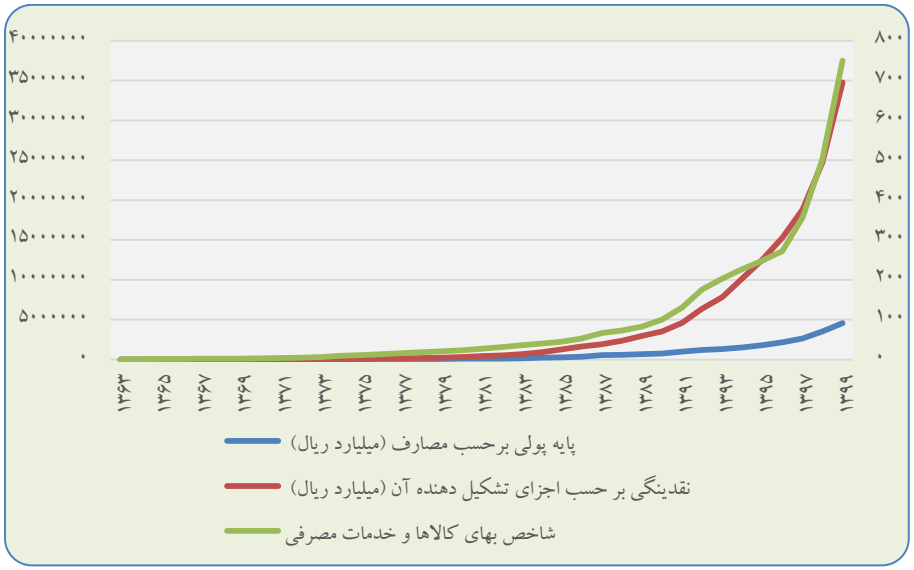
از مطالعات فوق صراحتاً اثر بازدارنده تورم بر جریان عرضه سپرده‌های قرض‌الحسنه استنتاج نمی‌شود. اما به صورت تلویحی می‌توان این گزاره را برداشت نمود. چراکه نتایج مطالعه اول (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶) با توجه به اینکه از داده‌های اسمی (غیر حقیقی) استفاده نموده‌اند چندان قابل استناد نمی‌باشد. در مطالعه سوم (صفری و رافتی، ۱۳۹۸) نیز اثر تورم بر حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه و جاری معنادار مشاهده نشده است. اما اثر منفی آن رد هم نشده است. ضمن اینکه دوره زمانی این دو مطالعه نیز نسبتاً محدود می‌باشند. اما در مطالعه دوم (اثنی عشری و بابایی سمیرمی، ۱۳۸۸) ارتباط منفی میان انتظارت تورمی و حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها اثبات شده است که به نوعی موید فرضیه محوری مطالعه حاضر می‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

همانگونه که پیش از این نیز مطرح شد در ارتباط با عوامل مؤثر بر جذب سپرده‌های بانکی مطالعات متعددی انجام شده است، که از دستور کار مطالعه حاضر خارج می‌باشد، و به صورت نمونه در این خصوص می‌توان به مطالعات محمدباقر درستی (۱۳۷۹)، فراتی (۱۳۸۴)، قلی‌زاده و شعبانی (۱۳۸۷) و مروتی شریف‌آبادی و خوانین‌زاده (۱۳۹۲) اشاره نمود.

آسیب‌شناسی جریان عرضه سپرده‌های قرض‌الحسنه از بعد اقتصاد کلان

نمودار شماره یک تصویری از نوسانات پایه پولی، نقدینگی و سطح عمومی قیمت‌ها را در (تقریباً) چهار دهه اخیر (بعد از تصویب قانون بانکداری بدون ربا) در اقتصاد ایران به تصویر می‌کشد. اجمالاً اینکه جریان فزاینده نقدینگی و تأثیر آن بر سطح عمومی قیمت‌ها تقریبا غیر قابل انکار می‌باشد. بدیهی‌ترین پیامد این شرایط کاهش قدرت خرید مقادیر اسمی پولی (هر واحد از پول ملی) و به تعبیری بالا بودن (افزایش مداوم) هزینه فرصت نگهداری مانده‌های پولی در بستر زمان می‌باشد. به گونه‌ای که در مقاطعی از زمان که نرخ تورم بسیار فزاینده بوده بتوان مفهوم پول داغ[1] را در عملکرد پولی افراد جامعه مشاهده نمود.

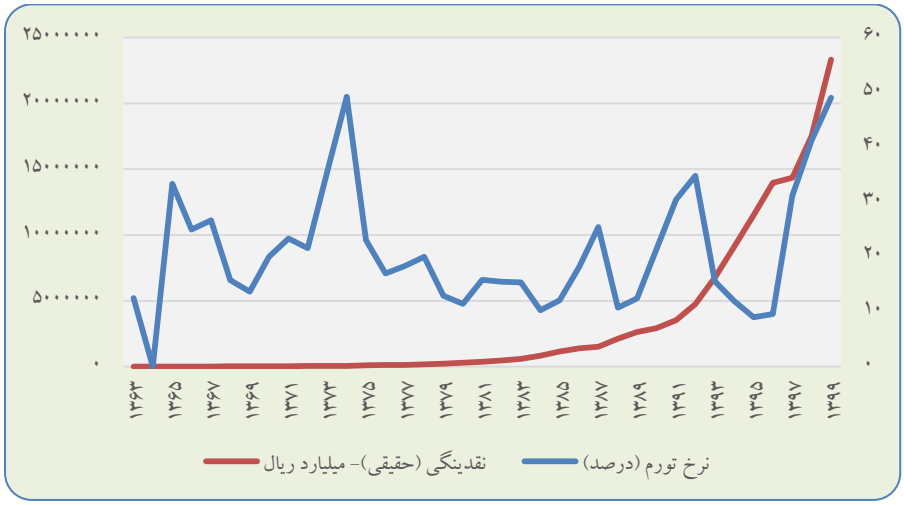


نمودار ۱. نوسانات پایه پولی، نقدینگی و سطح عمومی قیمت‌ها

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

[1] Hot Money

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]



نمودار ۲. نوسانات نرخ تورم و حجم نقدینگی حقیقی

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

هرچند طی این مدت تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها در کشور در نوسان بوده است. اما واقعیت آن است که وجود تورم مزمن و پیوسته در اقتصاد کشور غیر قابل انکار می‌باشد. این موضوع به نوعی در نمودار شماره دو مشهود می‌باشد. ضمن اینکه در این نمودار جریان فزاینده حجم حقیقی نقدینگی نیز بسیار قابل توجه می‌باشد. حال چنانچه بخواهیم این موضوع را از منظر مبانی نظری اقتصادی نیز تحلیل نمائیم می‌توانیم از مفهوم تورم هسته (مرکزی) [1] نیز استفاده نماییم که نرخ تورم موجود در اقتصاد را فارغ از نوسانات ادواری و مقطعی آن بررسی می‌نماید. در این خصوص مطالعات متعددی در کشور انجام شده است. هرچند که در مطالعات صورت گرفته در این رابطه نتایج نسبتاً متفاوتی حاصل شده است. اما تقریباً همگی حکایت از وجود سطحی از تورم در قالب تورم هسته در کشور دارند که بصورت نمونه می توان به موارد زیر اشاره نمود.

- نرخ‌های ۹/۲ و ۱۴/۷ درصد طی سال‌های ۸۵-۱۳۸۴ (محمودی، ۱۳۸۶)
- نرخ ۱۵ درصدی (به طور متوسط) طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۳ (رضائی مقدم و همکاران، ۱۳۹۵)
- نرخ حدوداً ۲۰-۱۵ درصدی طی دوره ۹۴-۱۳۵۰ (موسوی و سلطانی، ۱۳۹۵)
- نرخ ۶/۱ و ۵/۶ درصد طی سال‌های ۹۶-۱۳۹۵ (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۸)

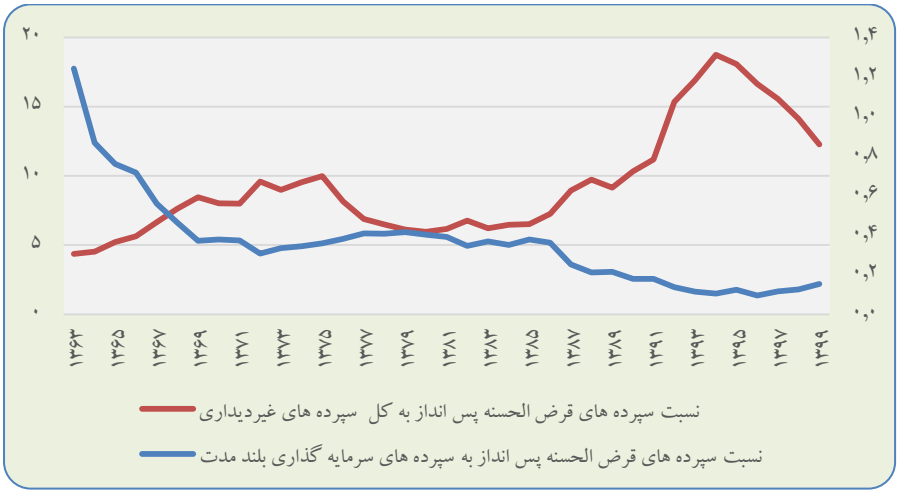
[1] Core Inflation

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

ارقام فوق حکایت از آن دارند که اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر جدای از اینکه از سطحی از تورم ثابت (پایه) به صورت مزمن و در قالب تورم هسته رنج می‌برده است. بلکه حسب شرایط و به دلایل مختلف (همچون شوک‌های پولی، چالش‌های بین‌المللی و....) از شوک‌های تورمی دیگر نیز متضرر می‌شده است.

در نمودار شماره سه تصویری از نسبت سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز به سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت نشان داده شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود در نیمه اول دهه ۱۳۶۰ این شاخص در سطحی بسیار بالا قرار داشته است. اما به مرور زمان طی این دهه کاهش یافته و عملاً با آغاز دهه ۱۳۷۰ این شاخص در سطحی بسیار پایین به نوسانات خود ادامه داده است. به گونه‌ای که تا انتهای دهه ۱۳۹۰ نیز این وضعیت کم و بیش ادامه داشته است. در ارتباط با نمودار فوق الذکر دو نکته بسیار جلب توجه می‌نماید که با توجه به موضوع مطالعه حاضر لازم است به صورت خاص مورد اشاره و تحلیل قرار گیرند. نکته اول سطح بسیار بالای این شاخص در سال‌های آغازین دهه ۱۳۶۰ می‌باشد. به گونه‌ای که مقدار آن بالاتر از عدد ۱ بوده است. این بدان معناست که در آن دوران بدلیل شرایط حاکم بر کشور و باورهای ملی و مذهبی ایرانیان مقدار سپرده‌های قرض‌الحسنه نسبت به سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت بیشتر (بیش از ۲۰ درصد) بوده است. این واقعیت می‌تواند به نوعی حکایت از جایگاه مقوله قرض‌الحسنه در میان مردم در آن زمان داشته باشد که متأسفانه به مرور زمان دچار تغییراتی شده است. نکته دوم تشدید روند کاهشی شاخص از نیمه دهه ۱۳۸۰ به بعد می‌باشد. به گونه‌ای که می توان ادعا نمود این شاخص در سطحی پایین‌تر تثبیت شده و ادامه یافته است. در ارزیابی این شرایط به نظر می رسد وضعیت حاکم بر اقتصاد کلان کشور و به ویژه افزایش هزینه فرصت پول و چه بسا چالش‌هایی چون نامناسب‌تر شدن توزیع درآمد، وضعیت رفاه و ... مؤثر بوده‌اند. شاخص دیگر نسبت سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز به کل سپرده‌های غیر دیداری می‌باشد. این شاخص طی بیش از سه دهه اخیر وضعیت پر نوسانی را طی نموده است. اما نکته ای که جلب توجه می نماید وضعیت کاهنده این شاخص از سال ۱۳۹۵ به بعد (پس از تقریباً یک دهه جریان افزایشی) می‌باشد که چندان مناسب به نظر نمی‌رسد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

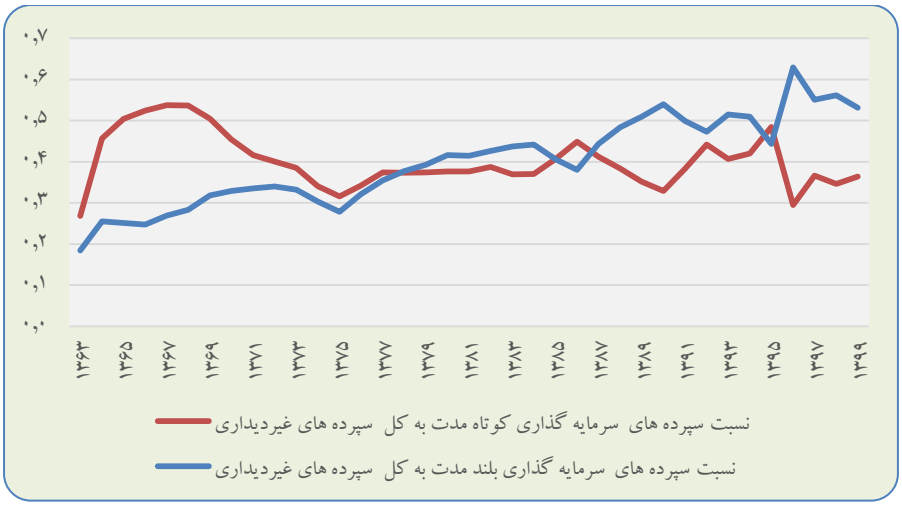


نمودار ۳. نسبت سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز به سپرده‌های غیردیداری و سرمایه‌گذاری

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در نمودار شماره چهار نیز نحوه نوسان دو شاخص نسبت سپرده‌های سرمایه گذاری بلندمدت و کوتاه‌مدت به کل سپرده‌های مالی غیر دیداری به تصویر کشیده شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود نوسانات این دو شاخص تا سال‌های پایانی دهه ۱۳۷۰ از نوعی همبستگی (مثبت) برخوردار بوده‌اند. اما از اواخر دهه ۱۳۷۰ و آغاز دهه ۱۳۸۰ این همبستگی معکوس شده و نوعی قرینگی میان آنها ایجاد شده است. یعنی با کاهش سهم سپرده‌های سرمایه گذاری کوتاه‌مدت سهم سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت افزایش یافته و جایگزین آن شده است. حال چنانچه این نتیجه را با نتایج نمودار قبل کنار هم قرار دهیم. به نظر می‌رسد طی دو دهه اخیر همزمان با کاهش استقبال مردم نسبت به سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز، تمایل مردم به سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت (و کاهش سهم نسبی سپرده‌های سرمایه گذاری کوتاه‌مدت) افزایش یافته است. این وضعیت می‌تواند حکایت از این واقعیت داشته باشد که سپرده‌گذاران تلاش نموده‌اند هرچه بیشتر از منافع (عایدی) پول در اختیار خود بهره‌مند گردند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]



نمودار ۴. نسبت سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت و کوتاه‌مدت به کل سپرده‌های غیردیداری

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همانگونه که ملاحظه می‌گردد نیم نگاهی به عملکرد جریان سپرده‌ها در نظام مالی و بانکی کشور حکایت از جریان کاهنده عرضه وجوه قرض‌الحسنه طی چهار دهه اخیر در اقتصاد ایران دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سیاست پولی از دهه ۱۹۳۰ میلادی به یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلان اقتصادی تبدیل شده و دولت‌ها حسب مورد در شرایط مختلف اقتصادی از آن استفاده نموده‌اند. اتخاذ غیر مسئولانه این سیاست‌ها نه تنها مشکلاتی را در سطح کلان اقتصادی (همچون تورم، انحراف در توزیع منابع و ...) ایجاد می‌نماید بلکه به صورت غیر مستقیم می‌تواند تبعات جانبی را در پی داشته باشد. در مقاله حاضر با توجه به اتخاذ سیاست پولی شدیداً انبساطی در ایران طی دهه‌های اخیر و تورم مترتب بر آنها، بحث تأثیر این پدیده بر جریان عرضه وجوه قرض‌الحسنه به نظام پولی و بانکی کشور در دستور کار قرار گرفت. بررسی عملکرد این عقد در نظام بانکی کشور در قالب آمارهای رسمی منتشر شده حکایت از کاهش اقبال جامعه به آن دارد که خود را در قالب کاهش سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از کل سپرده‌های نظام بانکی نشان داده است. در علت یابی این شرایط به نظر می‌رسد وجود کسری (ریالی) بودجه ساختاری دولت در اقتصاد ایران که به جریان فزاینده نقدینگی و تورم،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

طی دهه‌های اخیر، منجر شده است باعث گردیده ارزش زمانی پول پیوسته افزایش یافته و هزینه فرصت آن را نیز افزایش دهد. به گونه‌ای که تمایل افراد به سپرده‌گذاری در قالب عقد قرض‌الحسنه و چشم‌پوشی از سود سپرده‌گذاری را به مرور زمان کاهش دهد که البته از منظر تحلیل‌های اقتصادی منطقی نیز به نظر می‌رسد. لازم به ذکر است که پاره‌ای از مشکلات ساختاری کشور همچون کاهش شاخص‌های رفاهی جامعه، تشدید شکاف طبقاتی و ناعادلانه شدن توزیع درآمد، افزایش خط فقر و ... نیز این شرایط را تشدید نموده‌اند. ضمن اینکه همزمان عملکرد نامناسب مقامات پولی در رهاسازی مؤسسات اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه به ویژه در نیمه اول دهه ۱۳۹۰ نیز در این رابطه بی‌تأثیر نبوده است. در این رابطه عواملی چون توزیع ناکارای منابع قرض‌الحسنه توسط نظام بانکی، مشخص نبودن مصارف منابع قرض‌الحسنه، اولویت کارمندان بانک‌ها در دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه، از بین بردن روح معنوی قرض‌الحسنه با برگزاری قرعه‌کشی‌ها، رقابت نظام بانکی در جذب منابع قرض‌الحسنه (مثلاً از طریق وضع جوایز) و فاصله گرفتن از روح حاکم بر این عقد و اساساً نبود تقاضا برای عملیاتی‌سازی ملاحظات اقتصاد اسلامی و... نیز در این رابطه بی‌تأثیر نبوده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶).

فی‌المجموع جدای از ناکارایی موجود در نظام بانکی به نظر می‌رسد قرار گرفتن اقتصاد ایران در رژیم‌های تورمی بسیار بالا (۲۰ الی ۵۰ درصدی) و بالتبع تحریک پیوسته انتظارات تورمی عاملین اقتصادی (حقیقی و حقوقی)، باعث گردیده ارزش زمانی پول پیوسته بالا بوده و عملاً چشم‌پوشی از سود حاصل از منابع پولی در قبال سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه مشکل و چه بسا توجیه ناپذیر گردد. این واقعیت که خود ریشه در اجرای سیاست‌های غیر مسئولانه پولی و انبساط پیوسته حجم پول و نقدینگی در جامعه توسط نظام بانکی و بانک مرکزی دارد در کنار ناکارائی مقامات پولی در مدیریت بازار پول و وجود رفتارهای سفته‌بازانه در این بازار و بالتبع انحراف منابع بانکی به طرف فعالیت‌های غیر مولد باعث گردیده که:

الف- بخش اسمی و واقعی اقتصاد دچار نوعی انفکاک شوند. بدین معنا که نرخهای بهره‌ای که در بخش پولی (بخش رسمی) تعیین می‌شوند به هیچ عنوان با واقعیت‌های حاکم بر بخش واقعی اقتصاد منطبق نباشند.

ب- بازار پول در سطح نرخ‌های بهره مصوب شورای پول و اعتبار که به صورت تکلیفی به نظام بانکی تحمیل می‌شود پیوسته با نوعی مازاد تقاضا مواجه باشد.

ج- به دلیل کمبود نقدینگی موجود در بخش واقعی اقتصاد و نیاز شدید این بخش به منابع مالی (جهت سرمایه‌گذاری، تأمین سرمایه در گردش و ...) در کنار بازار رسمی پولی، پیوسته یک بازار غیر رسمی پولی با نرخ‌هایی به مراتب بالاتر از نرخ‌های رسمی در اقتصاد در جریان باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

د- به دلیل ناکارائی بازار پول و سرمایه در جذب و تجهیز منابع و نیز نبود ابزارهای مالی کارآمد، اقتصاد کشور پیوسته باسطوح بالای هزینه سرمایه[1] و به عبارت دیگر بالا بودن نرخ ترجیح زمانی[2] پول مواجه باشد. بالا بودن نرخ تنزیل اوراق خزانه تحویلی به پیمان‌کاران توسط دولت که بعضاً به ۳۰ درصد نیز بالغ می‌شده است گواهی است بر این مدعا.

نتیجه آنکه به نظر می‌رسد این موارد (در کنار پاره‌ای از چالش‌های فرهنگی و اعتقادی) باعث شده‌اند که طی دهه‌های اخیر نهاد قرض‌الحسنه در کشور تضعیف گردیده و عملاً سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از کل سپرده‌ها کاهش یافته و در پایین‌ترین سطح خود طی چهار دهه اخیر تثبیت گردند.

[1] Cost of capital
[2] Rate of time preference

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

منابع

۱. ابراهیمی، نسرین؛ پدرام، مهدی و موسوی، میرحسین (۱۳۹۸). "برآورد تورم هسته در کشور و استان‌ها با استفاده از مدل حالت - فضا"، فصلنامه تحقیقات مدلسازی اقتصادی، شماره ۳۶ ، صص ۳۵-۷.

۲. اثنی عشری، ابوالقاسم و بابایی سمیرمی، محمدرضا (۱۳۸۸). "برآورد تابع تقاضای پول در سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های ایران"، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۵۱ ، صص ۱۰۴-۹۳ .

۳. اشرف، یکتا؛ بالونژاد نوری، روزبه و جهانگرد، فاطمه (۱۳۹۸). "تحلیل تجربی تأثیر تورم هسته بر رشد اقتصادی در ایران: کاربردی از الگوی داده‌های ترکیبی با تواتر مختلف"، فصلنامه علمی مطالعات اقتصادیِ کاربردی ایران سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۲۳-۱.

۴. بانک مرکزی ج. ا. ایران- بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی

۵. بهزاد، محمودی (۱۳۸۶). "محاسبه ثقل تورم (هسته مرکزی تورم) در ایران و مقایسه آن با تورم کلی"، فصلنامه راهبرد، دوره ۱۵، شماره ۴، صص ۳۵۸-۳۳۹.

۶. توحیدی‌نیا، ابوالقاسم و فولادگر، وحید (۱۳۹۷). "آسیب‌شناسی‌سپرده‌های‌قرض‌الحسنه در نظام بانکداری بدون ربای ایران"، سال ۱۸، شماره ۷۰.

۷. حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۸۳). "قرض‌الحسنه، نگرشی تقسیری و روایی"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال۴، صص ۳۴-۱۱.

۸. حیدری، حسن؛ صادق‌پور، سولماز و دهقان‌درست، مرتضی (۱۳۹۶). "رابطه بین نااطمینانی تورم و میزان تسهیلات اعطایی قرض‌الحسنه بانک‌ها" پژوهش‌های اقتصاد پولی، مالی (دانش وتوسعه سابق)، سال بیست و چهارم، شماره ۱۴، صص۱۵۴-۱۳۵.

۹. درستی، محمدباقر (۱۳۷۹). "عوامل مؤثر بر جذب سپرده‌های بانکی بعد از اجرای عملیات بانکی بدون ربا طی سال‌های ۱۳۷۵- ۱۳۶۴"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه اصفهان.

۱۰. رضایی مقدم، نسرین؛ مصطفوی، مهدی و چشمی، علی (۱۳۹۵). "تفکیک تورم هسته از اجزای موقتی در ایران با فیلتر کالمن"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۶۰، صص ۷۳-۵۱.

۱۱. سیفلو، سجاد و خوانساری، رسول (۱۳۹۰). "مشکلات و راه‌کارهای تجهیز منابع از طریق قرض‌الحسنه در قانون عملیات بانکی بدون ربا"، بانکداری اسلامی، ویژه نامه .

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

۱۲. صفری، سعیده و رافتی، مریم (۱۳۹۸). "بررسی تأثیر عوامل اقتصادی بر حجم سپرده‌های بانک‌های خصوصی منتخب در ایران" فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۳، شماره ۴۷، صص ۲۱۶-۱۹۹.

۱۳. عبادی، روح‌اله و جعفری، مهدی (۱۳۹۹). " قرض‌الحسنه، راهبردی برای اقتصاد سالم"، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و دوم، صص ۱۲۲-۹۱.

۱۴. فراتی، مهتاب (۱۳۸۴). "بررسی عوامل مؤثر بر جذب سپرده‌های بانکی مطالعه موردی بانک سپه طی دوره ۸۱-۱۳۷۰"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۵. قلی‌زاده، محمدحسن و شعبانی کاک رودی، حامد (۱۳۸۷). "بررسی عوامل مؤثر بر تجهیز منابع و جذب سپرده‌ها در بانک‌های دولتی / مورد بررسی بانک‌های دولتی استان گیلان"، بانک و اقتصاد، شماره ۹۴، صص ۴۸-۴۶.

۱۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). نقش صندوق‌های قرض‌الحسنه در بازار غیرمتشکل پولی و نحوه نظارت بر آنها.

۱۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶). آسیب شناسی نظام بانکی- سامان‌دهی تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی، ویرایش دوم.

۱۸. مروتی شریف‌آبادی، علی و خوانین‌زاده، گلشن (۱۳۹۲). "شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر جذب سپرده‌های مشتریان در بانک با استفاده از روش VIKOR فازی: مطالعه موردی بانک صادرات استان یزد" فصلنامه بهبود مدیریت، دوره ۷، شماره ۲۰.

۱۹. مزینی، امیرحسین (۱۴۰۰). " آسیب‌شناسی گردش مالی سپرده‌های قرض‌الحسنه از منظر کلان اقتصادی"، چهارمین همایش ملی صندوق‌های قرض‌الحسنه (واکاوی نقش صندوق‌های قرض الحسنه در جهش تولید و اقتصاد مقاومتی).

۲۰. موسایی، میثم (۱۳۸۲). ربا و کاهش ارزش پول، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

۲۱. موسوی، سید حبیب ا... و سلطانی، شیوا (۱۳۹۶). " تحلیل تورم، رشد تولید و پایداری اقتصادی در ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال ۱۷، شماره ۳، صص ۹۹-۷۷.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]

۲۲. هادوی‌نیا، علی‌اصغر و عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۵). "بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض‌الحسنه"، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره شانزدهم، صص ۳۶-۷.

۲۳. – (۱۳۸۷). "مخالفت با طرح محاسبه تورم در قرض‌الحسنه"، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۶۱۳ (هجدهم شهریورماه).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2022-10-21]